

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۳۲ - ۴۱۱

توحید عملی و کارکردهای اجتماعی آن در حوزه فرهنگ با تأکید بر تفسیر المیزان

سید محمدجواد وزیری فرد^۱

محمد رضا ابراهیم نژاد^۲

حسنیه کتابدار^۳

چکیده

توجه به توحید، ریشه‌ای عمیق در فطرت انسان دارد و بنیان اصلی جهان‌بینی هر انسان موحدی را تشکیل می‌دهد. این باور ریشه‌دار، نگاهی جامع و همه‌جانبه به هستی و زندگی می‌بخشد که در مفهوم «توحید عملی» به اوج خود می‌رسد. توحید عملی، به معنای جاری‌سازی باور به یکتایی خداوند در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. این رویکرد، چنانچه قرآن کریم نیز بر آن تأکید دارد، به ساخت جامعه‌ای پویا، هدفمند و مبتنی بر عدالت منجر می‌شود. برخی از نتایج مهم این پژوهش عبارت است از این که توحید عملی، کارکردهای فراوانی در سطح فردی و اجتماعی دارد. در سطح فردی، توحید عملی منجر به آرامش درونی، امیدواری و انگیزه‌ای قوی برای انجام کارهای نیک می‌شود. در سطح اجتماعی نیز، توحید عملی به اصلاح جوامع، مبارزه با فساد، استقرار عدالت و ایجاد جامعه‌ای امن و پایدار کمک شایانی می‌کند. به عبارت دیگر، توحید عملی نه تنها به سعادت دنیوی انسان می‌انجامد، بلکه بستر را برای رسیدن به سعادت اخروی نیز فراهم می‌کند و به بیانی دیگر توحید عملی، پل ارتباطی میان انسان و خداوند برای رسیدن به کمال مطلوب است.

واژگان کلیدی

توحید، توحید عملی، اجتماع، فرهنگ، کارکرد اجتماعی.

۱. دانشیار دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. طلبه سطح ۴ حوزه.

Email: vaziryfard@yahoo.com

Email: ebrahimnejad@atu.ac.ir

Email: hosniehketabdar@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۸

طرح مسأله

تعمق و کاوش در مسائل کلی اعتقادی حاکی از آن است که مسئله توحید از کلیه مسائل اعتقادی دقیق‌تر و تصور آن از همه دشوارتر است. در اصول اعتقادی از دو توحید نام‌برده می‌شود: توحید نظری و عملی.

توحید نظری همان شناخت یگانگی خداست و توحید عملی، مطلوب و قبله اعمال قرار دادن خدا در کلیه امور زندگی است. به عبارتی دقیق‌تر توحید عملی همان یگانگی پرستی است. بدیهی است که توحید نظری و عملی ملازم یکدیگر و بازگشت توحید عملی به توحید نظری است. به گونه‌ای که تا انسان در بعد نظری توحید به شناخت نرسد در مسیر توحید عملی قرار نخواهد گرفت. یکی از آثار اعتقاد به توحید عملی آن است که فرد موحد در بینش، رفتار، کنش و اعتقاد خویش و به بیانی دیگر جهان‌بینی خود همواره حضور خداوند را در کلیه مراحل زندگی‌اش احساس می‌کند (انعام: ۱۶۲، ۱۶۳؛ اسراء: ۲۳؛ بینه: ۸) و از این طریق به جهان‌بینی فراتر از مفاهیم ذهنی دست می‌باید که ریشه در نهاد او دارد (روم: ۳۰). از دیگر آثار دست یافتن به توحید عملی، در زندگی فردی و اجتماعی، رسیدن به مقام قرب الهی و حیات معنوی است (طه: ۱۴؛ رعد: ۲۸). با وجود اهمیت بنیادین توحید در اندیشه اسلامی، کمتر پژوهشی به بررسی عمیق و جامع توحید عملی به‌عنوان یک ایدئولوژی جهت‌دهنده زندگی اجتماعی پرداخته است. این پژوهش با رویکردی نوآورانه، تلاش می‌کند با استفاده از دیدگاه‌های علامه طباطبایی این موضوع را از منظر دینی و فلسفی موردبررسی قرار دهد

توحید از نظر لغت و اصطلاح

واژه توحید در زبان عربی عبارت است از مصدر باب «تفعیل» و به معنای «یگانگی دانستن» است. ریشه این کلمه «وحد» و به معنای «انفراد» است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد (راغب اصفهانی، ۵۵۱: ۱۴۲۰). هرچند در قرآن کریم مضامین بسیاری در خصوص توحید وجود دارد؛ اما واژه‌هایی مانند «موحد»، «موحدین» مورد اشاره قرار نگرفته است. توحید در اصطلاح عبارت است: نفی تعدد، یعنی اعتقاد به وحدانیت

خداوند و نفی هر گونه تعدد و کثرت و اعتقاد به این معنا که تنها خداوند خالق این جهان هستی است و فقط او مالک حقیقی جهان و هیچ گونه قدرت بالاتر غیر او وجود ندارد و تنها خدا قدرت مطلق است. این اصطلاح از حیث مفهوم و معنا به انواع زیر تقسیم شده است:

۱- توحید ذاتی عبارت است از اعتقاد به اینکه ذات خدای متعال یگانه است و برای او مثل و شریکی وجود ندارد. چنانچه ذات الهی بسیط است و از هر گونه ترکیب درونی نیز منزّه است (ر، ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

۲- توحید صفاتی عبارت است از اینکه صفات خداوند از قبیل علم، قدرت، حیات، اراده، ادراک و... عین ذات او است و خارج از ذات او نیست. به عبارت دیگر، مقصود از توحید صفاتی آن است که صفات خداوند متعال زائد بر ذات او نیست که موجب تکثر شود؛ بلکه همه صفات خدا در وجود، عین یکدیگر و عین ذات الهی است (ر، ک: مطهری، ۱۳۸۸: ۳۳/۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۶۴/۱؛ سبحانی، ۱۳۷۷: ۳/۱).

۳- توحید افعالی در اصطلاح فلاسفه و متکلمین به این معناست که خدای متعال در انجام کارهای خود نیازی به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و در تدبیر امور و انجام کارها، مثل و مانند و شریکی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۶۴/۱، مطهری، ۱۳۸۸: ۳۳/۲).

۴- توحید در خالقیّت نیز عبارت است از اعتقاد به اینکه جهان هستی آفریده یک آفریدگار است و آن خدای متعال است (همان).

۵- توحید در ربوبیت تکوینی نیز به معنای آن است که تدبیر و اراده جهان در واقعیات هستی را به دست خدای متعال بدانیم و معتقد باشیم که گردش ماه و خورشید، پدید آمدن روز و شب، حیات و مرگ انسان تحت تدبیر اراده الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۲۱/۱).

۶- توحید در ربوبیت تشریحی به معنای این است که حق قانون گذاری را تنها برای خدا قائل باشیم و هیچ موجود دیگری را به طور مستقل مستحق وضع قانون ندانیم (همان: ۲۲).

۷- توحید در عبادت آن است که انسان موحد بر این باور باشد که جز ذات پروردگار هیچ موجودی شایسته عبادت و پرستش نیست؛ همان خدایی که ربّ و قانون گذار مطلق و سزاوار پرستش و عبادت است (همان: ۲۷). البته توحید در عبادت به معنای توحید در

اطاعت از ذات خداوند و نفی هر مطاع دیگری نیز خواهد شد.

بر اساس این باورها، تربیت توحیدی عبارت است از پروراندن و رشد دادن توحید فطری مرتبی تا رسیدن وی به مرز ایمان و قرار گرفتن تحت ولایت حق و اصلاح وی در سه بعد تمایلات، معرفت‌ها و رفتارها و جهت دادن به سرنوشت وی جهت رسیدن به کمال و قرب الهی. توحید عملی از قلب انسان آغاز شده و به تدریج به اعضا و جوارح تسری یافته و کل رفتار انسان را تحت الشعاع قرار خواهد داد. سیطره کمال در توحید عملی به تدریج بر افکار و نظریات نیز مستولی شده و به افکار و دیدگاه‌ها جهت خواهد بخشید. این انعکاس و تأثرات، زمینه گسترش و بسط توحید عملی در همه زمینه‌ها را فراهم خواهد ساخت (ر، ک: المیزان، ۱۳۷۴: ۳۴۶/۲).

به بیانی دیگر توحید عملی به معنای آن است که انسان در تمامی امور فردی و اجتماعی انگیزه الهی داشته باشد و جز برای خداوند، کاری را انجام ندهد و فقط خداوند را پاداش عمل خود بداند. رسیدن به این مرتبه اوج توحید تلقی شده است (دانشنامه امام هادی^(ع): بی تا: ۱۰۴۷/۱).

با این وصف، توحید عملی صرف خضوع در قبال خدا نیست، بلکه، حقیقت عبادت در قبال مالک علی الاطلاق است. در توحید عملی اعتقاد به الوهیت و ربوبیت شرط است. توحید عملی باید توأم با اعتقاد به عظمت اعتقاد به سلطه احاطه او باشد (رشید رضا، ۱۴۲۱: ۴۷/۱)؛ بنابراین توحید عملی در رتبه‌ای پس از توحید نظری قرار دارد؛ یعنی انسان با توجه به شناختی که درباره‌ی باری تعالی پیدا می‌کند بعد از آن هم سو ساختن اعمال و رفتار خود با خالق همان توحید عملی است (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۲۸/۴).

از دیگر ملزومات اعتقاد به وحدانیت و احدیت الهی این است که ذات خداوند را نه تنها بسیط بدانیم؛ بلکه از هر گونه ترکیب در اجزاء بالفعل و بالقوه نیز مبری فرض نماییم. اعتقاد به صفات ذات خداوند و نفی هر گونه صفات زائد بر ذات نیز از دیگر ملزومات این اعتقاد است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷: ۱۸۶).

معنای لغوی و اصطلاحی کارکرد

معنای لغوی «کارکرد» عبارت است از «کار کردن»، «عمل»، «کار و کردار»، «رفتار» و «خدمت» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۹: ۱۳۵). مقصود از کارکرد اثری است که یک اندیشه بر رفتارهای اجتماعی می‌گذارد، به بیانی دیگر، کارکرد آن اثر؛ رفتاری است که از ایدئولوژی منشأ می‌گیرد. کارکرد را باید همان اثر غیرقابل انکار فرمان‌های دینی دانست که خداوند ما را از این اثرات آگاه کرده است. اثراتی که به شکل وعده‌های الهی بیان شده‌اند که در واقع خبری از حقایق جهان هستی است. آفرینش و هستی که تمامی در ید و تصاحب الهی است و هر تصرفی تنها به اذن او امکان پذیر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۱/۱۰).

تحلیل مفاهیم جامعه و اجتماع از دیدگاه قرآن

در آیات قرآن کریم واژه «امت» (اجتماع) بیش از ۴۹ بار به کار رفته است. علاوه بر آن اصطلاحاتی مانند: «امت واحده»، «امت وسط» نیز بسیار در آیات قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است.^۱ در این آیات جامعه به صورت امری مستقل مورد خطاب قرار گرفته و برای آن نوعی «وجود»، در نظر گرفته شده است. آیات قرآن کریم به صراحت و یا به صورت ضمنی و تلویحی، ارتباط میان عمل صالح و فراوانی نعمت‌های الهی و در مقابل، فساد و گناه را عامل نزول بلا و عقاب الهی را مورد اشاره قرار داده است. این رابطه علی، نشان‌دهنده‌ی نظام حکیمانه‌ای است که در آن، اعمال انسان‌ها بر سرنوشت جامعه تأثیرگذار است. بدین ترتیب در آموزه‌های دین اسلام، جامعه حقیقی، احکامی جدا از افراد و اعضای تشکیل دهنده آن ندارد.^۲ مفاهیمی مانند «گروه»، «جامعه»، «اجتماع» به صورت مستقیم در آیات قرآن کریم مورد بحث واقع نشده‌اند؛ اما مفاهیم و احکامی مربوط به اجتماع را می‌توان از این مفاهیم دریافت؛ بنابراین قرآن کریم به جای تمرکز بر فردگرایی، به جامعه و

۱. بقره: ۱۴۳: «و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...»

۲. انعام ۱۵۳: «وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ..»

روابط بین افراد اهمیت می‌دهد. این نگاه جامع، احساس مسئولیت در قبال دیگران را تقویت می‌کند. علاوه بر آن، طبق آیات قرآن کریم جامعه انسانی، یک کل واحد و منسجمی است که پیوندهای عمیق و گسترده‌ای مبتنی بر اصول اخلاقی، اجتماعی و دینی میان اعضای آن برقرار است (حجرات: ۴۹؛ آل عمران: ۱۰۳؛ انبیاء: ۱۳). اجتماعی زندگی کردن انسان، امری ذاتی و فطری است (حجرات: ۲) که بیش از هر چیز در گرو نیاز وی به تأمین مایحتاج‌های مادی و معنوی است که همراه با غریزه اجتماعی، باعث شده است که زندگی جمعی به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر در طول تاریخ بشر مطرح شود (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۵۳). در این رابطه آمده است: «انسان اگرچه به طبع اولی خواهان انتفاع و بهره‌کشی از هموعان است؛ ولی به طبع ثانوی برای تأمین نیازهای خود مدنی است و ناچار به پذیرش زندگی اجتماعی است و اگر این اضطراب نبود هرگز زیر بار نمی‌رفت» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۳/۲). ریشه و مایه اختلاف و درگیری در جوامع انسانی، تمایل انسان به قدرت طلبی و کنترل دیگران است که منشأ سقوط امنیت و سعادت جامعه است (همان: ۱۱۱/۲). این **کل واحد و منسجم** جامعه را به موجودی زنده مبدل می‌سازد که هر عضوی در سلامت و سعادت آن نقش دارد. بدیهی است که اعتقادات اعضای این جامعه، در شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی تأثیر گذار است. به ویژه توحید محوری اعضای جامعه که به یقین در کاهش تضاد و اختلاف در جوامع کمک می‌کند زیرا زمانی که اعضای جامعه به یک منبع الهی مشترک اعتقاد داشته باشند، به جای رقابت بر سر قدرت و منافع دنیوی، به دنبال وحدت و همکاری هستند و احساس همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. وقتی افراد احساس کنند که به یک خانواده بزرگ الهی تعلق دارند، به همدیگر نزدیک‌تر می‌شوند و در برابر مشکلات مشترک ایستادگی می‌کنند. بندگی خدا نیز از دیگر شئون انسان موحد است که باعث می‌شود تا جامعه انسانی در خدمت عبادت و بندگی خدا باشد و قوانین، آداب و رسوم و کلیه امور انسان نیز باید جهت و سمت و سویی خدایی داشته باشد. تعلیمات و آموزه‌های پیامبران نیز در طول تاریخ بر این اساس

شکل گرفته است.^۱

انسان نه تنها به وجود خدا اعتقاد دارند، بلکه به دنبال شناخت بیشتر خداوند و نزدیکی به سوی او هستند. علامه طباطبایی در این زمینه آورده است: «آیات قرآن متکی بر حقیقتی است که بنیان دین بر آن استوار است و این حقیقت همان یگانگی و توحید خداوند است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰: ۱۳۵). البته توحید تنها یک اندیشه و نگرش صرف نیست؛ بلکه به عنوان بعدی اعتقادی و فکری سیطره‌ای بر رفتارها و اعمال فردی و اجتماعی نیز خواهد بخشید. بدین ترتیب توحید عملی یعنی این که اعتقاد به خدا در عمل نشان داده شود^۲ به معنایی دقیق‌تر مراد از توحید عملی آن است که همه اعمال انسان برای برخورداری از ثواب الهی و به یاد روز جزا باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۶۲). مردم جامعه را به سه دسته تقسیم شده است:

الف: افرادی که واقعاً به خدا اعتقاد دارند.

ب: افرادی که به خدا اعتقاد ندارند.

ج: افرادی که ادعای ایمان دارند، اما در دل کافرنند.

طبق آیات قرآن کریم این سه گروه ویژگی‌های متفاوتی دارند و از یکدیگر قابل تفکیک هستند. انسان‌ها بر اساس اعتقاداتشان رفتار می‌کنند، یعنی آنچه به آن باور دارند، رفتارشان را شکل می‌دهد و ایمان به خدا مهم‌ترین عاملی است که شخصیت یک مؤمن را می‌سازد. وقتی ایمان و اعتقادات به بهترین شکل نشان داده شود و مورد عمل قرار گیرد موجب پیشرفت معنوی جامعه است. بر این اساس زمانی پیشرفت فرهنگی در حوزه معنوی باعث اعتلای جامعه خواهد بود که معنویتی منطبق با آموزه‌های دینی و هماهنگ با عقلانیت و فطرت انسانی در جامعه نهادینه و ترویج شود.

۱. اعراف: ۶۵: «وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّي غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ...»

۲. نساء: ۳۶: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا»

فرهنگ و تفاوت آن با جهان‌بینی و ایدئولوژی

تعاریف مختلفی برای واژه «فرهنگ» با رویکردهای مختلف بیان شده است. بدون در نظر گرفتن این جنبه‌ها و مؤلفه‌های مختلف این تعاریف، آنچه از این تعاریف قابل استفاده است در وهله اول، درک معنای گسترده و پیچیده این واژه و تأکید بر آنکه فرهنگ چیزی جز تأکید بر باورها و رفتارها و ارزش‌های یک جامعه نیست (وثوقی، ۱۳۷۸: ۱۲۰). معانی دیگری مثل «علم»، «دانش»، «عقل»، «ادب» و «بزرگی» و «سنجیدگی» نیز در این تعاریف مورد اشاره قرار گرفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۳۹/۵). از سوی دیگر در آیات قرآن کریم فطرت به عنوان عاملی جهت دهنده به فرهنگ و خودآگاهی انسان بیان شده است. بدین ترتیب مهم‌ترین فلسفه وجودی فرهنگ، زمینه‌سازی برای انتقال اکتسابی افراد به سوی توحید محوری است. این فرهنگ فطرت گرا، در حقیقت به عنوان فرهنگ آرمانی اسلام مورد تأکید قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۹/۶). بر این اساس فرهنگ چیزی جز شناخت، باور، ارزش و گرایش و رفتاری نخواهد بود که انسان را قادر می‌سازد تا با توجه به ابعاد فطری مشترک انسانی، اصول کلی و اساسی مشترکی را میان یکدیگر پابرجا و استوار سازند (همان: ۳۱۵/۱۵). تفاوت فرهنگ با جهان‌بینی نیز از اینجا قابل تفکیک است؛ زیرا جهان‌بینی، نظامی فکری برخاسته از بینش فلسفی خاص در یک نگرش کلی و نظامی فکری مشخص درباره هستی است (محمدی عراقی، ۱۳۷۳: ۴۱). در حالی که ایدئولوژی به کلیه ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای کلی موجود در یک مکتب اشاره دارد که در برابر جهان‌بینی قرار گرفته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵: ۳/۱).

جهان‌بینی و رابطه آن با توحید عملی

با در نظر داشتن آنکه فرهنگ از بدو تولد بر شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان تأثیر گذار بوده و به طور هم‌زمان بر ابعاد آشکار و پنهان رفتار، انگیزش‌ها و سایر سازه‌های ذهنی او تأثیر می‌گذارد و نهادینه می‌شود. بر این اساس ارتباط میان جهان‌بینی و توحید عملی رابطه‌ای دوسویه و دینامیک خواهد بود که در آن، جهان‌بینی به عنوان یک چارچوب معنایی، توحید عملی را هدایت و به عنوان تجلی عمل به آن در تقویت جهان‌بینی مؤثر است. به بیانی دقیق‌تر جهان‌بینی توحیدی، نقشه راهی برای تحقق توحید عملی است و

با ارائه یک نظام ارزشی و معنوی، جهت‌گیری‌های رفتاری فرد را در راستای تحقق توحید تنظیم می‌کند. فرد مؤمن و معتقد با پذیرش خداوند به عنوان خالق، رازق و مالک مطلق، تمامی امور زندگی خود را به او واگذار کرده و در نتیجه، تمامی افکار و اعمال او بر اساس توحید شکل می‌گیرد. بیانی از حضرت علی^(ع) در این رابطه از اهمیت بسیاری برخوردار است: «سرلوحه دین شناخت، درست شناختن، باور داشتن، درست باور داشتن و یگانه انگاشتن و اطاعت کردن است» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: خطبه اول). آثار و ثمرات اعتقاد به خدا باوری و توحید عملی در زندگی اجتماعی و فردی انسان حرکتی در مسیر صراط مستقیم تشریحی (دین) که مجموعه‌ای از باورها، گرایش‌ها و رفتارهاست و چیزی جز اعتقاد به عقاید، تخلُّق به اخلاقیات و عمل به احکام نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۳)؛ بنابراین فرهنگ فردی و اجتماعی چیزی جز حرکت و سوق به سوی صراط مستقیم نخواهد بود. این معنا در بیان علامه طباطبایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵/۱). بدین ترتیب نظام ارزشی و گرایشی در فرهنگ و اجتماع متعالی، تصویری از حقایق و واقعیات و حرکت به سوی آن‌ها فراهم می‌سازد که طی این مسیر علاوه بر توفیق دنیوی و سعادت اخروی را به دنبال خواهد داشت. در این جامعه توحیدی ارزش‌های اخلاقی با نظام اجتماعی هنجار و رسوم را شکل داده و نظم اجتماعی پدیدار می‌شود. در چنین نظامی اعتباریات اجتماعی بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهد و امور اعتباری در کنار هنجارهای اجتماعی زیربنای فرهنگی جامعه محسوب شده و برخی دیگر از هنجارهای لازم در این زمینه تنها در سطوح بیرونی و مورد نیاز مورد عمل قرار خواهد گرفت. کاربرد این سطوح بیرونی نیز با استفاده از میزان حسن و قبح آن و تعقل و افق اندیشه انسان‌ها در نوسان خواهد بود. هنجارهای مربوط به سنن اجتماعی که نشئت گرفته از باورهای کلی است بر اساس منافع و مصالح عمومی پابرجا و یا گذرا و موقت مورد عمل قرار خواهد گرفت (همان: ۵۵۷/۱۰). انسان آگاه و با اراده و مختار در تثبیت شخصیت، فرهنگ و جامعه نقش مؤثری خواهد داشت. بر این مبنا فرهنگ دارای وجهی ثابت و وجهی متغیر است و این ویژگی و مخصصه سبب اختلافات فرهنگی و تنوع فرهنگی است. به‌طور کلی فرهنگ از دو رکن «باورها» و «ارزش‌ها» تشکیل شده است

(مصباح یزدی، ۱۳۹۴). فرهنگ در رویکردی جامعه‌شناسی دارای حدود پانصد معنا است. در برخی تعاریف، فرهنگ دربرگیرنده اعتقادات، ارزش‌ها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می‌شود. در گونه‌ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می‌شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه‌های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می‌گردد (همان). فرهنگ در تفکری «ذات باورانه» موجودیتی مستقل از افراد داشته و حقیقتی فی‌نفسه ثابت است. پیروان. این نظریه تحت تأثیر «دورکیم فرهنگ را متعلق به حوزه فوق‌اندامی سوپر ارگانی می‌دانستند و معتقد بودند که فرهنگ با موجودیتی مستقل، از قوانین خاص خود پیروی می‌کند که مستقل از عمل فردی است و در اختیار و نظارت فرد قرار نمی‌گیرد (پهلوان، ۱۳۸۷: ۱۹؛ روح‌الامینی، ۱۳۹۰: ۶۰).

شاید بتوان گفت تعریف فرهنگ به عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد، منطقی‌ترین سخن در تعریف این واژه است، فرهنگی که معناداری ارزش‌ها را تابع قرارداد اجتماعی می‌داند و در نتیجه اخلاق و امور ارزشی را «نسبی»، متغیر و تابع امیال انسانی می‌شناسد و فرهنگی که معناداری ارزش‌ها را تابع امور واقعی مستقل از خوشامد و بدآمد انسان‌ها می‌داند. این امور واقعی همان چیزهایی است که متن عالم هستی را پر کرده است و بارهنمایی عقل و وحی قابل‌شناسایی است و با تغییر ذائقه انسان‌ها متحول نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵ / ۶۵). تعریف فرهنگ در واقع بحث از یک اندیشه و ایده و یک معناست، چه فردی باشد و چه جمعی و عبارت است از معرفت مشترک با ویژگی تاریخی بودن و با مؤلفه‌های هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، ایدئولوژی، هنجار شناختی و نماد شناختی در بُعد جمعی و عطف به وجود اجتماعی انسان در ابعاد گروهی و جامعه‌ای. یکی از کارکردهای فرهنگ، ذومراتب است یعنی هم انسجام بخش و هم تمایز بخش است. بدین ترتیب در زندگی اجتماعی با رعایت قوانین الهی و با عمل به آنچه از طریق وحی در دسترس او قرار گرفته رسیدن به سعادت ابدی تضمین می‌شود.

کارکردهای توحید عملی در جامعه

ایمان و عمل صالح از عباراتی است که در آیات قرآن کریم بسیار تکرار شده است. کثرت استفاده از این عبارات حاکی از آثار این دو مؤلفه در زندگی و سعادت انسان است. مقام خلیفه الهی انسان بی تردید، در گرو موقعیت معنوی اوست. خلیفه و جانشین، زمانی مظهر مستخلف خود خواهد بود که شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر الهی را حکایت کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۱۷۷). از سوی دیگر، هویت انسانی تحت سه عنصر: عقیده، اخلاق و ایمان شکل می‌پذیرد که در تمامی آیات قرآن کریم با بسامد پرتکراری مورد اشاره قرار گرفته است. فطرت عجیب یافته با فطرت انسان کارکردهای اجتماعی توحید عملی را جزء لاینفک جامعه‌ای آرمانی و عادلانه خواهد ساخت که با ابتناء بر اصول اخلاقی و انسانی دارای کارکردهای زیر است:

الف: توحید عملی، مایه آرامش و اطمینان قلب

توحید عملی با ارائه یک چشم‌انداز امیدوارانه به آینده، به فرد کمک می‌کند تا با مشکلات و چالش‌های زندگی به صورت سازنده‌تری برخورد کند و در نتیجه، آرامش بیشتری را تجربه کند.

این معنا در آیات قرآن کریم نیز مورد اشاره قرار گرفته است:

دل‌های (پاک) آنان را سخت استوار و دلیر ساختیم آنگاه که آن‌ها قیام کرده و گفتند: «خدای ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ کس را به خدایی نمی‌خوانیم که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده‌ایم.»^۱ در تفسیر این آیه آمده است: کلمه «ربط» به معنای «محکم بستن» است و «ربط بر دل‌ها» کنایه از سلب اضطراب و قلق از آن‌هاست. کلمه «شطط» به معنای خروج از حد و تجاوز از حق است و کلمه «سلطان» به معنای «حجت» و «برهان» است. این آیات، گفتگوی اصحاب کهف را حکایت می‌کند که مملو از حکمت و فهم است و در این فراز از گفتگوی خودخواسته‌اند

۱. کهف: ۱۴: «وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْمُوا مِنْ دُونِهِ إِنَّهَا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا...»

ربوبیت ارباب‌بها از ملائکه و جن و مصلحین بشر را که فلسفه «وثنیت»، الوهیت آن‌ها را اثبات کرده باطل کنند. اصحاب کهف با محاوره خود ابتدا جمله «رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» اصل توحید مداری را اثبات و با اثبات ربوبیت الهی تمامی عالم: «لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا...» الله را قبله تمام حاجات و نیازهای خود دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۵۰). علاوه بر آن با استناد به آیات انعام: ۱۶۲؛ آل عمران: ۱۷۳ و ۱۵۹؛ رعد: ۲۸، رسیدن به آرامش روانی از طریق توحید عملی مورد تأکید قرار گرفته است.

ب: توحید عملی و اجابت دعا و رفع حزن و مصائب

در آیات قرآن کریم بیان داستان زندگی حضرت یونس به اجمال مورد اشاره قرار گرفته است. در آیه ۸۸ سوره انبیاء بیان شده است که حضرت در تاریک‌ترین لحظات زندگی خود بایان عبارت «لا إله إلا أنت» یکی از مهم‌ترین اذکار و توحیدی‌ترین جمله فرد مومنی را بر زبان جاری کرده است که علاوه بر نشان دادن توحید خالص و تسلیم کامل حضرت در برابر خداوند حاکی از آن است که این عبارت نتایج بسیار مهمی در زندگی فردی و اجتماعی حضرت با خود به همراه داشته است. نتایج فردی مانند تقویت ایمان، آرامش قلبی، رفع اضطراب و نگرانی، تقویت اراده و پاک‌سازی روح و نتایج اجتماعی آن ایجاد وحدت و همدلی، مبارزه با ظلم و فساد و ترویج عدالت و برابری و تقویت اخلاق و معنویت که در آیات بعدی این سوره کاملاً قابل مشهود بوده است و مورد توجه مفسران قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/۴۴۵؛ طبرسی، ۱۳۶۶: ۱۶/۱۴۸؛ طیب، ۱۳۷۸: ۹/۲۱۷؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۶/۵۳۷). علاوه بر آن در آیات ۶۰ سوره غافر و مؤمنون نیز اجابت دعا و رفع حزن و اندوه انسان با اتکا بر توحید عملی مورد اشاره قرار گرفته است.

ج: توحید عملی، مایه آموزش و مغفرت الهی

آیات ۱۶۲ سوره انعام و ۱۷۳ سوره آل عمران به طور مستقیم اشاره به توحید عملی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. در سوره آل عمران آیه ۱۳۵ و سوره زمر آیه ۵۳ یکی از آثار توحید عملی در جوامع انسانی، آموزش الهی برای مؤمنان بیان شده است. آموزشی که همراه با توبه و استغفار از گناهان باشد. آموزش و مغفرت دو واژه نزدیک به هم هستند

که در قرآن کریم بسیار به کاررفته‌اند و اغلب به جای هم استفاده می‌شوند. در حالی که تفاوت‌های ظریفی بین این دو واژه وجود دارد. آموزش «غفران» به معنای «پوشاندن»، «پنهان کردن»، «بخشیدن گناهان» است، اما مغفرت به معنای «درگذشتن از گناهان و کیفر» آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۱/۱۱؛ طیب ۱۳۷۸: ۵۰۴/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۶۶: ۲۲۹/۱۱). علاوه بر آن آیه ۶۱ سوره هود^۱ یکی از آیات مهم قرآن کریم است که به موضوع عبرت‌گیری از سرنوشت اقوام پیشین می‌پردازد. در این آیه، خداوند متعال به قوم نوح (ع) اشاره می‌کند و به آن‌ها هشدار می‌دهد که اگر از راه خود بازنگردند، عذابی دردناک در انتظارشان خواهد بود؛ اما آن‌ها به نصایح پیامبران خود توجه نکردند و در نتیجه عذاب الهی بر آن‌ها نازل شد. در این آیه خداوند به قوم نوح نیز هشدار می‌دهد که اگر از راه خود بازنگردند، عذابی مشابه به آن‌ها خواهد رسید. در این آیه ۶۱ حضرت صالح به قوم خود می‌گوید: «ای قوم من! خدای یگانه را پرستید که جز او معبود دیگری برای شما نیست این دعوت، در واقع دعوت به توحید عملی است. حضرت صالح از قوم خود می‌خواهد که از خداوند آموزش بخواهند و به سوی او بازگردند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۴۶۱).

د: توحید عملی و اصلاح جوامع بشری و مبارزه با فساد و رعایت عدالت

آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که به ارتباط میان توحید عملی، اصلاح جوامع بشری، مبارزه با فساد و رعایت عدالت اشاره می‌کنند؛ مانند آیه ۱۱۲ سوره هود که در این آیه به‌طور ضمنی به اهمیت توحید و مبارزه با شرک اشاره می‌کند و شرک ورزیدن به خداوند را مانعی بزرگ در راه اصلاح جوامع بشری دانسته است و توحید را پایه و اساس هر جامعه سالم و پیشرفته‌ای بیان کرده است. در آیه ۵۳ سوره یوسف نیز اهمیت عدالت و امانت‌داری در اداره جامعه را مورد اشاره قرار داده است؛ زیرا حضرت یوسف، با توکل بر خدا و با استفاده از علم و دانش خود، به اصلاح جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد پرداخت. در آیه ۹۰ سوره نحل نیز به صراحت درباره اهمیت عدالت، احسان و نیکوکاری

۱. «إِلَىٰ نَمُودِ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَدْعَاكُمْ لِمَا كُنْتُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْهُ إِلَّا غَيْرَةٌ هُوَ أَبْنَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ...»

اشاره می‌کند. به استناد به این آیات به وضوح حاکی از آن است که توحید عملی نقش ویژه‌ای در اصلاح جوامع بشری، مبارزه با فساد و رعایت عدالت دارد. این مفاهیم به هم پیوسته عمل به دستورات خداوند از عوامل اصلی ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پاک دانسته شده است که در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت از اهمیت بسیاری برخوردار است. علاوه بر آن در آیه ۸۵ سوره اعراف پیام‌های ارزشمندی همه انسان‌ها به همراه دارد. در این آیه پیام‌های مربوط به دعوت حضرت شعیب برای قوم مدین مورد اشاره قرار گرفته است و یکی از مضامین دعوت حضرت برای قوم خود را ایمان به خداوند و رعایت برای برجیدن فساد از زمین مورد تأکید قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳۵/۸؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴۶۰/۳؛ طبرسی، ۱۳۶۶/۱۷۳: ۹).

ح: توحید عملی و حق‌گرایی و استمرار عدالت در جامعه

در قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی و هدایت آیات بسیاری به موضوعاتی مانند توحید، عدالت، حق‌گرایی و اصلاح جامعه اختصاص یافته است. به عنوان نمونه در آیه ۲۸۲ سوره بقره، اهمیت عدالت در معاملات و قراردادهای لزوم اجرای دقیق قراردادها و در آیه ۱۵۲ سوره انعام، اهمیت توحید و نیکی به دیگران به ویژه نیازمندان مورد اشاره قرار گرفته است. حق‌گرایی و مبارزه با فساد نیز در سوره نساء آیه ۱۳۵ نیز اهمیت عدالت و گواهی دادن به حق، حتی اگر به زیان فرد باشد را بیان کرده است. در آیه ۸ سوره مائده نیز اهمیت عدالت و پرهیز از تبعیض مورد تأکید قرار گرفته است. به منظور اصلاح جامعه و برقراری نظم نیز در آیه ۱۱۲ سوره هود نیز مبارزه با شرک و بت‌پرستی یکی از موانع اصلی ایجاد جامعه عادلانه بیان شده است. در آیه ۵۳ سوره یوسف نیز نقش حضرت یوسف به عنوان فردی با ایمان که می‌تواند در جامعه نقش مهمی در برقراری عدالت و اصلاح داشته باشد مورد اشاره قرار گرفته است؛ بنابراین با استفاده از این آیات به وضوح رابطه میان توحید عملی، حق‌گرایی و استمرار عدالت نشان داده شده است.

ط: توحید عملی و نجات و ایمنی از عذاب الهی

قرآن کریم آیات بسیاری را به توحید عملی و رابطه آن با نجات و ایمنی از عذاب الهی اختصاص داده است برخی از این آیات عبارت است از: آیه ۲۵ سوره یونس که بدی کردن را عامل زیان به خود و آیه ۷۱ سوره زمر که ایمان و عمل صالح را مایه جاودانگی در نعم بهشتی بیان می‌کند و در آیه ۸۲ سوره انعام نیز به عدم آمیختگی ایمان با ستم را یکی از عوامل ایمنی از عذاب و در آیه ۳۲ سوره فاطر نیز ایمان و عمل صالح را عامل بهروزی و برخورداری از رحمت الهی مورد اشاره قرار گرفته است. آیات فراوانی در خصوص ارتباط میان توحید عملی، عمل صالح و نجات از عذاب الهی قابل اشاره است. علاوه بر آن، در آیات ۳-۱ سوره نوح به خوبی نشان می‌دهند که نافرمانی از خدا و پیامبرانش، عواقب فردی و اجتماعی بسیار هولناکی به همراه دارد. دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۹/۲۰؛ طبرسی ۱۳۶۶: ۳۳۱/۲۵؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲۰۳/۱۳).

ی: توحید عملی، مصونیت از گمراهی و ضلالت

هر عملی که بانگیزه تقرب به خدا انجام شود، عمل صالح محسوب می‌شود و عمل به دستورات خدا و پرهیز از گناهان، باعث ایمنی انسان از گمراهی و ضلالت است. مطالعه و تدبر در بسیاری از آیات قرآن مؤید این معناست. در آیه ۸ سوره یونس، بازگشت نتیجه اعمال به سوی انسان به وضوح مورد اشاره قرار گرفته است. در آیه ۷۱ سوره زمر نیز به مؤمنین بشارت داده شده است که در صورت ایمان و عمل صالح در بهشت به جاودانگی خواهند رسید. کثرت این آیات نیاز به تکرار را مرتفع ساخته است. توحید عملی به عنوان یک باور قلبی، عملی مستمر است که با عمل به دستورات خدا و پرهیز از گناهان، مصونیت از گمراهی و ضلالت و گام نهادن در مسیر سعادت و کمال را به همراه خواهد داشت. عمل به فرمان‌های شیطان برای نفوسی است که او را دوست خود گرفته‌اند^۲ و تنها

۱. نوح: ۱-۳: «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ اذْهَبْ إِلَىٰ قَوْمِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا»

۲. نحل: ۹۹-۱۰۰: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ...»

گمراهان از او پیروی می‌کنند.

س: توحید عملی و سبقت در انجام امور خیر در جامعه

سبقت در انجام امور خیر، یکی از جلوه‌های توحید عملی است که به جامعه انرژی مثبت بخشیده و باعث پیشرفت آن می‌شود. در آیه ۱۴۹ سوره بقره از انسان خواسته شده تا برای آمرزش الهی که به وسعت آسمان‌ها و زمین است شتاب کنند و در سوره حجر آیه ۴۷ نیز به نعم بهشتی مهیا برای پرهیزگاران اشاره شده است. در خصوص همراهی و همدلی در انجام امور خیر نیز در آیه ۱۰۳ آل عمران به مؤمنان توصیه می‌شود که در نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر کمک کنند. مطالعه و تدبر در آیات قرآن حاکی از آن است که موانع عدم سبقت در انجام امور نیک و خیر عبارت است از شرک، شیطان، عادات بد، ترس از دیگران، کسب مال حرام و کبر و غرور.^۱

ش: توحید عملی و شکل‌گیری نهاد الهی خانواده

توحید عملی به معنای اعتقاد قلبی به یگانگی خدا و عمل به دستورات او در تمام شئون زندگی است. این عمل، تنها به عبادات فردی محدود نمی‌شود، بلکه تمامی ابعاد زندگی از جمله روابط اجتماعی و خانوادگی را نیز در برمی‌گیرد. در واقع، توحید عملی، زیربنای شکل‌گیری یک خانواده‌ی الهی است. خانواده، اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که بر اساس آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. توحید عملی، بنیان اصلی این نهاد را تشکیل می‌دهد و باعث می‌شود تا روابط خانوادگی بر اساس محبت، احترام متقابل و عدالت شکل بگیرد. والدینی که به توحید عملی پایبند هستند، فرزندان خود را بر اساس آموزه‌های دینی تربیت می‌کنند. خانواده‌ای که بر اساس توحید عملی بنا شده است، محیطی امن و آرام برای رشد و تعالی اعضای خود فراهم می‌کند. در چنین خانواده‌ای، اعضای خانواده به یکدیگر محبت، کمک و حمایت می‌کنند. توحید مداری آنان در زندگی زناشویی باعث تقویت بنیان خانواده می‌شود و مقاومت در برابر مشکلات و تلاطم‌های زندگی است. والدین به‌عنوان محور خانواده، نقش بسیار مهمی در ایجاد، حفظ و استمرار این کانون خانوادگی

۱. یوسف آیه ۵۳، سوره حجرات آیه ۱۱؛ مؤمنون، ۶۰.

و این کانون مهر و مؤدت و به لسان قرآن کریم «میثاق غلیظ»^۱ خواهند داشت. خانواده‌ای که با زیربنای فکری توحید تشکیل شود، مایه تجلی علم و حکمت حق است^۲ و «مؤدت» که همان مفهوم رحمت در مقام عمل به صورت نهان و آشکار است، یکی از مؤلفه‌های تشکیل آن است. منظور از «رحمت» همان تأثرات نفسانی است که از مشاهده محرومیت و نیاز به رفع آن در دل طرف مقابل ایجاد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۶۶). بدین ترتیب زن و مرد از یک سو مکمل و از سوی دیگر تعدیل‌کننده یکدیگر در مسیر زندگی خواهند بود و این کانون توانمند و کارآمد، هسته مهمی از عناصر اجتماع را ایجاد خواهد کرد که مایه رشد و ارتقا معنوی یکدیگر خواهند بود و رسیدن به این مرحله از رشد را مایه غرور و نشاط خود خواهند دانست. از دیدگاه اسلام ازدواج و تشکیل خانواده در کنار سایر نیازهای انسان، امری فطری و در شمار یکی از نیازهای اصلی انسان است. به گونه‌ای که بقیه حوائج برای تأمین این حاجت اصلی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۲۷۸).

ر: توحید عملی و رسیدن به وحدت و اتحاد (همبستگی)

وحدت و همبستگی تنها یکی از کارکردهای توحید عملی در جامعه است. زمانی که افراد جامعه به یگانگی خدا اعتقاد داشته باشند و او را به عنوان خالق و مالک همه چیز بشناسند، خود را مانند اعضای یک خانواده دانسته و این باور مشترک، باعث ایجاد وحدت و همدلی در بین آنان است. خداوند در آیه ۱۰۳ آل عمران چنگ زدن به ریسمان الهی و دوری از تفرقه را به عنوان یکی از شاخصه‌های وحدت و همبستگی ذکر کرده است و در آیه ۱۰ سوره حجرات نیز مؤمنان را «برادر یکدیگر» نامیده است. در آیه ۲۰۸ سوره بقره، مؤمنان را برای زندگی در صلح و آرامش در کنار یکدیگر فراخوانده است. یکی از آثار این همدلی و همبستگی میان اقشار مختلف مردم قدرت و اقتدار، پیشرفت و توسعه، حل مشکلات و نهایت آن رسیدن به امنیت و آرامش است. موانع وحدت و همبستگی نیز تفرقه افکنی دشمنان، جاه طلبی و حب قدرت، نادانی و جهل است... اعتصام «بجبل الله» و

۱. نساء: ۲۱: «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا...»

۲. روم: ۲۱: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ...»

متفرق نشدن در شمار نعم الهی خوانده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/ ۵۷۷).

ز: توحید عملی و تشکیل حکومت دینی و رسیدن به امن و امان الهی

توحید عملی را باید بنیان اصلی حکومت اسلامی دانست؛ زیرا حکومتی که بر پایه توحید بنا شود، عدالت، آزادی و برابری را برای همه افراد جامعه به ارمغان می‌آورد. حکومت دینی، با اجرای قوانین الهی، امنیت و آرامش را برای جامعه فراهم می‌کند؛ زیرا این قوانین بر اساس حکمت و عدالت الهی وضع شده‌اند تا وظیفه هدایت جامعه به سمت کمال و سعادت را بر عهده گیرند. در آیه ۴۶ سوره انفال خداوند به مؤمنان امر به اطاعت از خدا و رسول او داده است تا دست از نزاع برداشته و نیروی خود را صرف گسترش وحدت و همدلی در جامعه سازند. در آیه ۴۱ سوره حج نیز مأمور به برپایی به نماز و اوامر و دوری از نواهی الهی شده‌اند. در آیه ۹۰ سوره نحل نیز خداوند به مؤمنان اندرز داده است تا با عدل و احسان و نیکوکاری از گناهان دوری کنند. در آیات قرآن کریم تفرقه و اختلاف به عنوان یکی از موانع تشکیل حکومت دینی مورد اشاره قرار گرفته است. جاه‌طلبی و حب قدرت نیز از دیگر موانع تشکیل حکومت دینی است؛ زیرا باعث می‌شود تا مؤمنان از مسیر حق منحرف و به دنبال منافع شخصی خود هدایت شوند.

ص: تأثیر توحید عملی در فرصت‌ها انصاف و عدالت در بازار

از دیگر کارکردهای مثبت و تأثیرگذار توحید عملی، آثار مهم آن در حوزه اقتصاد و بازار است؛ زیرا انسان موحد با پی بردن به برابری انسان‌ها نزد درگاه الهی تلاش می‌کند تا فرصت‌های برابر را برای همگان فراهم و از این طریق جامعه‌ای پویا برای رشد فراهم شود. برای نیل به این هدف، تمایل به کسب دانش و مهارت‌های جدید و بهبود و ارتقا استعدادها و توانایی‌های فردی افزایش خواهد یافت و خلاقیت و نوآوری به عنوان یکی از دستاوردهای آن در رشد و توسعه اقتصادی جامعه اثرگذار خواهد بود. رعایت عدالت و انصاف در بازار، زمینه بروز هرگونه تقلب و نیرنگ را زایل و حوزه اقتصاد و بازار شفاف خواهد شد. سبقت در کمک و یاری نیازمندان موجب تثبیت رشد اقتصادی و رقابتی سالم خواهد شد. خداوند در سوره انعام آیه ۵۹ برپایی نماز و پرداخت زکات را یکی از عوامل ایجاد فرصت‌های برابر برای زندگی اجتماعی بیان کرده است و در سوره احزاب آیه ۳۵

نیز اقامه عدل و احسان و نیکوکاری به یکدیگر را مورد اشاره قرار داده است.

ض: توحید عملی و امید به لقاءالله

امید به لقاءالله یکی از مهم‌ترین باورهای مسلمانان است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نتایج توحید عملی در آیات بسیاری از قرآن کریم به‌صورت ضمنی و آشکار بیان شده است. لقاءالله یا دیدار با خداوند انگیزه‌ای قوی برای انجام اعمال صالح و پرهیز از گناهان است؛ زیرا این امید باعث می‌شود تا انسان در انجام اعمال صالح و واجبات ترغیب کوشا باشد تا آرامش و امنیت را در زندگی این دنیا تجربه کند. از سوی دیگر امید به لقاءالله، زندگی انسان را هدفمند ساخته و او را برای رسیدن به کمال و سعادت تشویق و ترغیب خواهد کرد. این امید قدرت ایستادگی در مقابل مشکلات و سختی‌های زندگی را به آنان خواهد بخشید تا با صبوری و ایستادگی در مقابل مشکلات بتوانند آینده‌ای روشن را برای خود ترسیم کنند. در قرآن کریم، آیات متعددی مربوط به لقاءالله بیان شده است. برخی از مهم‌ترین این آیات عبارت‌اند از: آیه ۱۱۰ سوره کهف که در این آیه بیان شده که هر که به لقاء پروردگارش امیدوار است، باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش شریکی قرار ندهد. در آیه ۵ سوره عنکبوت، خداوند رسیدن به اجلی که خدا برای دیدار خود مقرر داشته مورد تأکید قرار گرفته است. در آیه ۶۳ سوره فرقان، خداوند رسیدن به این مقام را درگرو ایمان به خدا و انجام اعمال صالحه ذکر کرده است البته لقاءالله به‌معنای دیدار حقیقی و رودررو با خداوند نیست، زیرا خداوند از هر مخلوقی برتر و متعالی‌تر است؛ بلکه اشاره به شهود باطنی و درک حضور خداوند در روز قیامت و کنار رفتن حجاب‌ها و پی بردن به این حقیقت متعالی است. حقیقتی که انگیزه‌ای برای ادامه مسیر تعالی و آرامش روانی و هدفمندی زندگی را به دنبال دارد (طباطبایی، ۱۳: ۵۵۶/۱۳۷۴؛ طبرسی، ۱۳۶۶: ۱۳۷/۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۶/۲۸۶). در آیه ۲۸ سوره ص اگرچه به‌طور مستقیم به لقاءالله اشاره نشده، اما با طرح مسئله پاداش و کیفر و تفاوت سرنوشت مؤمنان و کافران، به‌صورت غیرمستقیم به این باور مهم اسلامی اشاره دارد. این آیه به مؤمنان اطمینان می‌دهد که اعمالشان بی‌ثمر نخواهد ماند و در روز قیامت پاداش آن را دریافت خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

توحید عملی نه تنها یک باور دینی بلکه یک اصل اساسی برای شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و پیشرفته است. توحید عملی یعنی انسان در تمامی امور انگیزه الهی داشته باشد و جز برای خداوند، کاری را انجام ندهد و حتی کارها را به خاطر دریافت پاداش از خداوند و برکت در دنیا و جنت و رضوان آخرت انجام ندهد، بلکه فقط خداوند را پاداش عمل خود بداند. توحید را می‌توان به دو بخش کلی «توحید نظری» و «توحید عملی» تقسیم کرد که هر کدام از این بخش‌ها دارای اقسام گوناگون فرعی دیگری است. قرآن کریم به جامعه به‌عنوان یک واحد مستقل نگاه می‌کند و احکام و قوانینی را برای آن وضع کرده است. این نشان می‌دهد که در اسلام، جامعه صرفاً مجموعه‌ای از افراد نیست، بلکه یک موجودیت با هویت و مسئولیت‌های خاص خود است. در آموزه‌های دین اسلام رابطه میان فرد و جامعه جدایی‌ناپذیر است و اعمال و رفتار فرد بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد و به همین ترتیب، جامعه نیز بر فرد تأثیرگذار است و فرهنگ مجموعه‌ای از نگرش‌ها، باورها، علم و دانش و سنجیدگی است که در است که در طول زمان شکل گرفته و در جامعه نهادینه شده است. به عبارت ساده‌تر، توحید عملی به‌معنای آن است که انسان نه تنها به خدا اعتقاد داشته باشد، بلکه این اعتقاد را در تمام اعمال و رفتار خود نشان دهد و در نتیجه به فردی بهتر و جامعه‌ای بهتر کمک کند. جهان‌بینی توحیدی، به‌عنوان یک نقشه راه، جهت‌گیری‌های رفتاری فرد را در راستای تحقق توحید تنظیم می‌کند. این ارتباط دوسویه بین فرهنگ و جهان‌بینی، منجر به ایجاد جامعه‌ای می‌شود که در آن ارزش‌های اخلاقی حاکم است و افراد به دنبال سعادت دنیوی و اخروی هستند. توحید عملی یعنی انسان در تمامی امور انگیزه الهی داشته باشد و جز برای خداوند، کاری را انجام ندهد و فقط خداوند را پاداش عمل خود بداند. این باور نه تنها باعث آرامش قلبی و رفع اضطراب می‌شود، بلکه به اجابت دعا، آمرزش گناهان و اصلاح جامعه نیز منجر می‌شود و کارکردهای بسیار و فراوانی دارد. برخی از این نتایج عبارت است از آرامش و اطمینان قلبی، اجابت دعا و رفع حزن و مصائب، آمرزش و مغفرت الهی، مبارزه با فساد و رعایت عدالت، حق‌گرایی و استمرار عدالت در جامعه، نجات و ایمنی از عذاب الهی و ... است.

فهرست منابع

۱. پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۷)، فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات قطره.
۲. جوادی آملی عبدالله، (۱۳۸۵)، ادب فنای مقربان، تحقیق: محمد صفایی، قم: انتشارات اسراء.
۳. جمعی از نویسندگان، (بی تا)، دانشنامه امام هادیتهران: کتابخانه مدرسه فقاقت.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، الحسین بن محمد، (۱۴۲۰ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۶. رشید رضا، محمد، (۱۴۲۱ ق)، تفسیر المنار، بیروت: مؤسسه الرساله، بیروت.
۷. روح الامینی، محمود، (۱۳۹۰)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار.
۸. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۷)، الهیات معارف اسلامی (تبیین معارف)، قم: مؤسسه امام صادق(ع)،.
۹. شهیدی، جعفر، (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۱. (۱۳۸۸)، شیعه در اسلام، قم: بوستان کتاب.
۱۲. طبرسی، (۱۳۶۶)، مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۳. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، قم: مؤسسه النشرجهان الاسلامی.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، (۱۳۶۵)، شرح نهج البلاغه، اصفهان: نشر سپهر.
۱۷. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۱۸. محمدی عراقی، محمود و دیگران، (۱۳۷۳)، درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی،

تهران: انتشارات سمت.

۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۷)، حقوق و سیاست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. (۱۳۸۵)، ایدئولوژی تطبیقی، قم: نشر زمزم هدایت.
۲۱. (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸)، جامعه و تاریخ، تهران: نشر صدرا.
۲۳. (۱۳۹۱)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. وثوقی منصور، (۱۳۷۸)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر بهینه.